



محمدشهبان صفایی ارجان

بدرقه‌ای در اوج امنیت و قانون

چگونه همدلی مردم و هماهنگی نهادها، یکی از بزرگ‌ترین آیین‌های مذهبی را به الگویی از نظم اجتماعی تبدیل کرد؟

حسین فصیحی

وداع در روز و به پای پیکر مطهر رهبر شهید و خانواده ایشان در مصلاي تهران، تشییع ده‌ها میلیونی در پایتخت و سپس آیین بدرقه در قسم، آزمونی بزرگ برای مدیریت امنیت، نظم شهری و خدمات عمومی بود. میلیون‌ها زائر از دور ترين نقاط کشور راهی تهران شدند، جمعیتی که مدیریت آن بدون برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی میان دستگاه‌ها و مشارکت مسئولانه چیز در قاب رسانه‌های داخلی و خارجی دیده شد، مردم ممکن نبود. آنچه در این چندروز بیش از هر در چنین اجتماعات گسترده‌ای، نخستین دغدغه، حفظ امنیتی آرام، نظمی کم‌نظیر و خدماتی گسترده بود که نشان داد امنیت اجتماعی زمانی پایدار می‌شود که مردم و حاکمیت در کنار یکدیگر قسار گیرند. برگزاری مراسم بدرقه رهبر شهید از نخستین ساعات اعلام برنامه‌ها وارد مرحله‌ای از مدیریت چندانیه شد. از تأمین امنیت مسیرهای ورودی گرفته تا ساماندهی اسکان، حمل‌ونقل،

خدمات درمانی، بهداشتی و امدادی، همه دستگاه‌ها مأموریت خود را بر اساس برنامه‌ای واحد دنبال کردند، اما آنچه این برنامه را به موفقیت رساند، صرفاً استقرار نیروهای انتظامی نبود. میلیون‌ها شهروند با رعایت نظم، همکاری با عوامل اجرایی، توجه به دستورالعمل‌های ترافیکی و احترام به حقوق سایر زائران، به بخشی از زنجیره تأمین امنیت تبدیل شدند. این مشارکت عمومی سبب شد مراسم با چنین گستره‌ای، بدون اختلال جدی و در فضایی آرام برگزار شود.

ستون اصلی مدیریت نظم

در چنین اجتماعات گسترده‌ای، نخستین دغدغه، حفظ امنیت و مدیریت تردد است. پلیس با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های انتظامی، اطلاعاتی و ترافیکی، نقش محوری در اجرای این مأموریت ایفا کرد. پلیس راهور با اجرای طرح‌های ویژه ترافیکی، هدایت خودروها، مدیریت میدای ورودی تهران و کنترل مسیرهای تشییع، امکان تردد روان میلیون‌ها زائر را فراهم کرد. همزمان، مسایر بخش‌های پلیس نیز با استقرار

دهفمند نیروها، پایش مستمر محیط و هماهنگی با دستگاه‌های امدادی، زمینه‌برگزاری آرام مراسم را مهیا ساختند. در کنار حضور میدانی مأموران، استفاده از سامانه‌های هوشمند کنترل مسیرها، نظارت تصویری و مدیریت لحظه‌ای وضعیت معابر نیز نقش مهمی در پیشگیری از گر‌های ترافیکی و ارتقای امنیت مراسم داشت.

میزبانی برای میلیون‌ها زائر

موفقیت امنیتی این مراسم تنها به اقدامات انتظامی محدود نبود. مدیریت شهری تهران با بسیج گسترده امکانات، بستر لازم برای میزبانی از میلیون‌ها زائر را فراهم کرد؛ اقدامی که خود سه‌م مهمی در کاهش آسیب‌ها و حفظ نظم عمومی داشت. ایجاد ۷۸ زائر شهر، تجهیز هزاران محل اسکان، آماده‌سازی هزار ۵۰۰ مدرسه، اختصاص ده‌ها مجموعه ورزشی، راه‌اندازی صدها موبک و فراهم کردن ظرفیت گسترده برای اسکان بانوان، موجب شد زائران بدون سسر درگمی از خدمات مورد نیاز خود بهره‌مند شوند.

در کنار این اقدامات، سامانه‌های پاسخگویی شبانه‌روزی، کمیته‌های استقبال در میدای ورودی شهر و استقرار نیروهای خدمات رسان، فرآیند ورود و استقرار زائران را با کمترین مشکل همراه کرد.

حلقه مکمل امنیت

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت هر اجتماع میلیونی، مدیریت حمل‌ونقل است. در این مراسم نیز شبکه حمل‌ونقل عمومی به صورت شبانه‌روزی فعال بود. بیش از ۳ هزار و ۴۰۰ دستگاه اتوبوس، فعالیت ۲۴ ساعته مترو، جابه‌جایی رایگان زائران با ون تاکسی‌ها، اختصاص بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار ظرفیت پارکینگ در میدای ورودی تهران و ارائه میلیون‌ها سفر در مدت کوتاه برگزاری مراسم، موجب شد حجم انبوه جمعیت بدون ایجاد اختلال جدی جابه‌جا شود. اجرای محدودیت‌های ترافیکی با همکاری پلیس راهور نیز از دیگر اقداماتی بود که نقش مؤثری در حفظ آرامش و نظم خیابان‌های پایتخت ایفا کرد.

امنیت فقط حضور پلیس نیست

یکی از مهم‌ترین درس‌های این مراسم، مفهوم گسترده امنیت بود. امنیت تنها با حضور نیروهای انتظامی معنا پیدا نمی‌کند، بلکه نتیجه عملکرد هماهنگ مجموعه‌ای از خدمات شهری، امدادی و بهداشتی است. استقرار نزدیک به ۱۶ هزار پاکبان، آمادگی شبانه‌روزی بیش از ۴ هزار و ۴۰۰ آتش‌نشان، تجهیز ۱۲۸ ایستگاه آتش‌نشانی، راه‌اندازی بیمارستان صحرایی، استقرار تیم‌های امدادی، ایجاد هزاران سرویس بهداشتی، نصب ایخوری‌های سیار، تجهیز مراکز اسکان و آماده‌باش مراکز درمانی، همه نشان داد که امنیت اجتماعی بدون خدمات عمومی کارآمد امکان تحقق ندارد. همچنین فعالیت شبانه‌روزی فروشگاه‌های شهروند، مراکز عرضه کالا و خدمات شهری، امکان دسترسی آسان زائران به نیازهای روزمره را فراهم کرد و از شکل‌گیری مشکلات جانبی جلوگیری به عمل آورد.

الگویی برای مدیریت اجتماعات بزرگ

تجربه مراسم بدرقه رهبر شهید نشان داد که امنیت، محصول یک دستگاه یا یک سازمان نیست، بلکه نتیجه همکاری منظم میان پلیس، مدیریت شهری، نیروهای امدادی، دستگاه‌های خدمات‌رسان، رسانه‌ها و مهم‌تر از همه مردم است.

زمانی که میلیون‌ها نفر در کنار یکدیگر، قانون را رعایت می‌کنند و دستگاه‌های اجرایی نیز با برنامه‌ریزی دقیق، خدمات مورد نیاز را در اختیار آنان قرار می‌دهند، امنیت به پدیده‌ای ملموس و قابل مشاهده تبدیل می‌شود. تصاویر منتشرشده از نظم حاکم بر مراسم، آرامش مسیرهای تشییع، خدمت‌رسانی بی‌وقفه نیروهای اجرایی و حضور مسئولانه مردم، بازتابی جهانی یافت و نشان داد مدیریت اجتماعات میلیونی، بیش از هر چیز نیازمند اعتماد متقابل، هماهنگی سازمانی و مشارکت اجتماعی است. مراسم وداع و تشییع رهبر شهید، فارغ از ابعاد عاطفی و اعتقادی آن، تجربه‌ای موفق در مدیریت یک اجتماع عظیم مردمی بود. تجربه‌ای که ثابت کرد سرمایه اجتماعی، انسجام ملی، برنامه‌ریزی دقیق و قانون‌مداری می‌تواند در کنار یکدیگر، یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های خدماتی و امنیتی کشور را به الگویی موفق برای آینده تبدیل کنند.

یک هفته زندگی با جسد همسر

محل حاضر شدند. بوی تعفن سراسر ساختمان را فرا گرفته‌بود. مأموران نیز پس از بی‌پاسخ ماندن رنگ و دهم، با دستور مقام قضایی قصد تخریب قفل در را داشتند که ناگهان صاحبخانه، مردی ۴۵ ساله به نام وحید، در را باز کرد. او مدعی شد بوی بد ناشی از آنباشتشدن زباله‌های خانه است، اما رفتار مشکوکش باعث شد مأموران وارد منزل شوند. بررسی‌ها در آشپزخانه به کشف جسد همسر ۴۰ ساله‌اش، مهرآه، انجامید. جسدی که بررسی‌های اولیه نشان می‌داد چندروز از مرگش گذشته است.

ورود تیم جنایی

با کشف جسد، قاضی سلالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران، به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شدند و تحقیقات تخصصی آغاز شد. وحید در نخستین بازجویی‌ها مدعی شد: «چندروز قبل همسرم به دلایل نامعلومی ناگهان فوت کرد. چون عارقه زبانی به او داشتم، نتوانستم از پیکرش جدا شوم و این چندروز را کنار جسدش زندگی کردم.»

آثار ضربه روی سر مقتول

در حالی که اظهارات مرد ۴۵ ساله با تناقض‌های فراوان همراه بود، کارشناسان پزشکی قانونی از وجود آثار ضربه روی سر مهرآه خبر دادند؛ آثاری که احتمال

قتل را تقویت می‌کرد. همزمان تحقیقات میدانی نیز نشان داد وحید به مصرف مواد مخدر شیشه‌اعتیاد و با همسرش اختلافات شدیدی داشته‌است. همسایه‌ها و بستگان این زوج نیز اعلام کرده‌اند که او پدیده‌ها دارند. وحید به گفته همسایه‌ها، حدود یک هفته قبل صدای آخرین درگیری این زن و شوهر از داخل خانه شنیده شده و پس از آن دیگر هیچ صدایی از واحد به گوش نرسیده‌بود تا اینکه بوی تعفن، ساکنان ساختمان را به ماجرا مشکوک کرد.

اعتراف به قتل

پس از به دست آمدن این اطلاعات، متهم بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و این بار روایت دیگری از ماجرا ارائه داد. او گفت: «با همسرم اختلاف داشتیم و او تصمیم گرفته بود از من جدا شود. مهرآه می‌خواست مهری‌اش را به اجرا بگذارد و همین موضوع اختلاف‌های ما را بیشتر کرده‌بود. یک هفته قبل دوباره با هم مشاجره لفظی کردیم. در اوج عصبانیت او را هل دادم. همسرم به زمین افتاد و سرش به دیوار آشپزخانه برخورد کرد و جان باخت. از ترس نمی‌دانستم چه کار کنم و به همین دلیل یک هفته با جسدش زندگی کرد تا اینکه همسایه‌ها موضوع را به پلیس اطلاع دادند.»

ادامه تحقیقات

پس از اعتراف متهم، جسد مهرآه برای تعیین علت دقیق مرگ و انجام آزمایش‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات از متهم به دستور بازپرس جنایی و با هدف روشن شدن زوایای پنهان این پرونده از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.



آرمین بیبا

مرد ۴۵ ساله‌ای که پس از مرگ همسرش، جسد او را به مدت یک هفته در خانه نگه داشت و در کنار آن زندگی می‌کرد، پس از لسو رفتن ماجرا به دنبال شکایت همسایه‌ها، به قتل اعتراف کرد و مدعی شد در جریان یک مشاجره خانوادگی او را هیل داده و باعث مرگش شده‌است.

ساعت ۱:۳۰ باصدای یک‌شنشیه ۱۴ تیرماه، ساکنان ساختمانی در خیابان سبحانی، محله هفت‌چنار در جنوب تهران با پلیس تماس گرفتند و از انتشار بوی تعفن از یکی از واحدهای ساختمان خبر دادند. یکی از ساکنان به مأموران گفت: «دو سه روز بود که بوی بدی در ساختمان پیچیده‌بود. ابتدا تصور کردم زباله‌های یکی از همسایه‌ها عامل این بوست، اما هر ساعت شدت آن بیشتر شد. بررسی کردم و متوجه شدم بوی تعفن از واحد طبقه اول، محل زندگی یک زوج جوان، به مشام می‌رسد. چندبار رنگ‌خانه را زدیدم، اما کسی در را باز نکرد و نگران شدم که اتفاقی برای آنها رخ داده باشد.»

کشف جسد در آشپزخانه

پس از این تماس، مأموران کلانتری ۱۱۱ هفت‌چنار در

خبر

بخش قاتل به احترام امام حسین (ع)

غلامرضا مسکنی

قاتلی که ۱۰ سال قبل پسر جوانی را به قتل رسانده‌بود، با بخشش او لیب‌ای دم به احترام امام حسین (ع) از چوبه‌دار نجسات بافت و سپس از یک دهه حبس از زندان آزاد شد.

یکی از روزهای بهمن ماه سال ۱۳۹۵، مأموران پلیس یکی از شهرهای استان فارس از درگیری خونینی در یکی از خیابان‌ها باخبر و راهی شدند. مأموران وقتی به محل رسیدند، دریافتند لحظاتی قبل دو پسر جوان به خاطر چشم‌درچشم‌شدن، درگیری خونینی را رقم زده‌اند. در جریان این درگیری، یکی از آنها با ضربه چاقو به شدت زخمی شده و برای درمان به بیمارستان منتقل شده و ضارب نیز از محل فرار کرده‌است.

مرگ در بیمارستان

مأموران برای بررسی حادثه به بیمارستان رفتند. ساعتی بعد، تیم پزشکی اعلام کرد تلاش برای نجات جان پسر ۱۹ ساله نتیجه‌ای نداشت و وی بر اثر شدت خونریزی جان باخته‌است.

با اعلام خبر قتل پسر جوان به نام پویا، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی برای تحقیقات وارد عمل شدند.

کل کل و کری خوانی

نخستین تحقیقات میدانی نشان داد درگیری مرگبار دو پسر ۱۹ ساله به خاطر کل‌کل‌ها و کری‌خوانی‌های قبلی بوده‌است. روز حادثه، آنها داخل خیابان یکدیگر را می‌بینند و با هم درگیر می‌شوند. در این درگیری، قاتل که شهپاز نام داشت، وقتی می‌بیند پویا غرق در خون روی زمین می‌افتد، چاقوی خونین را روی زمین می‌اندازد و قبل از اینکه به دست رهگذران و اهالی محل گرفتار شود، فرار می‌کند.

فرار و عذاب وجدان

با شناسایی قاتل، مأموران برای دستگیری وی به محل زندگی‌اش رفتند، اما فهمیدند متهم به مکان نامعلومی گریخته‌است. بدین ترتیب،

قاتل فراری تحت تعقیب قرار گرفت، اما مأموران هیچ ردی از او پیدا نکردند. تا اینکه دو ماه پس از حادثه، خودش را به پلیس معرفی کرد و با اظهار پشیمانی به قتل پسر جوان اعتراف کرد.

شهپاز در توضیح ماجرا گفت: «من و پویا قبل با هم اختلاف داشتیم و برای هم کری می‌خواندیم. کل کل ما همیشه بود و هر وقت یکدیگر را می‌دیدیم، درگیر می‌شدیم. روز حادثه وقتی داخل خیابان با هم چشم در چشم شدیم، مشاجره کردیم. درگیری ما بالا گرفت که عصبانی شدم و با چاقو ضربه‌ای به مقتول زدم. او غرق در خون روی زمین افتاد و من از ترس فرار کردم، اما تصور نمی‌کردم او فوت کند.»

وی ادامه داد: «وقتی با خبر شدم او در بیمارستان فوت کرده، از ترس به یکی از شهرهای شمالی کشور رفتم و در یک کلبه جنگلی پنهان شدم. زندگی مخفیانه من شروع شد. اما عذاب وجدان همیشه همراه بود. آنقدر در این مدت کایوس می‌دیدم که تصمیم گرفتم به شهرمان برگردم و خودم را به پلیس معرفی کنم. الان پشیمان هستم و امیدوارم اولیای دم مرا ببخشند.»

محکومیت به قصاص و پای چوبه‌دار

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل راهی زندان شد. مدتی بعد در دادگاه کیفری یک استان محاکمه شد. اولیای دم برای وی در خواست قصاص دادند و قضات دادگاه نیز او را به جرم قتل عمد به قصاص با چوبه‌دار محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور، برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادرسی استان ارسال شد.

نفس‌ای قاتل به شماره افتاد. تیم صلح و سازش استان برای جلب رضایت اولیای‌دم وارد عمل شدند، اما پدر و مادر مقتول اصرار به قصاص داشتند و قاتل را نبخشیدند. قاتل برای اولین‌بار پای چوبه‌دار حاضر شد، اما اولیای‌دم برای اجرای حکم در زندان حاضر نشدند و بدین ترتیب حکم قصاص موقت لغو شد و قاتل به سلولش بازگشت.

رفتار خوب در زندان و بخشش در محرم

پس از این، تلاش‌های تیم صلح و سازش ادامه پیدا کرد. شهپاز شب و روز در انتظار اجرای حکم بود تا اینکه مددکاران زندان به اولیای‌دم اعلام کردند متهم در این مدت رفتارهای خوبی از خود نشان داده‌است. او در زندان کارهای خیر انجام می‌دهد، در کلاس‌های قرآن و مراسمات مذهبی شرکت می‌کند و به زندانیان نیازمند کمک می‌کند. گزارش‌های مددکاران زندان دل اولیای‌دم را به رحم آورد. در حالی که قرار بود حکم قصاص قاتل به زودی اجرا شود، آنها به دادرسی محل رفتند و اعلام کردند به احترام مام محرم و به عشق امام حسین (ع)، قاتل را بخشیدند. یکی از اولیای‌دم گفت: «ما می‌خواستیم حکم را اجرا کنیم، اما تصمیم گرفتیم به احترام امام‌حسین (ع) قاتل را ببخشیم، اما یک شرط داریم، او باید دیه فرزندان ما را صرف افراد نیازمند کند.»

آزادی پس از ۱۰ سال

خانواده مقتول شرط اولیای‌دم را پذیرفتند و دیه مقتول را برای نیازمندان هزینه کردند. بدین ترتیب، با اقدام خدایسندانه اولیای‌دم، قاتل پس از ۱۰ سال حبس از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک برازجان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختنامه‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۱۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختنامه‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۲۰۰۲۶۶۶/۱۴۰۵/۰۳۲۴۰۰۲۰۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان-تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدجواد حیدری فرزند حسن بنشماره شناسنامه ۳۳۹۲۰۷/۳۲۹۱۰۷ صادره

از دشتستان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۹۴٫۱۸ مترمربع قسمتی از بلاک فرعی از ۳۷۲۱ اصلی واقع در اراضی روستای بنداروز خربرداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان-محمدرباق باقر پور

شناسه آگهی: ۲۲۱۹۱۰۰

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی به شماره ۰۲۰۲۶۶۰۰۲۰۰/۱۴۰۵/۰۳۲۴۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم سرویس چهره گشافرزند باقر در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای انباری احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۳۲۰۴۵ متر مربع به پلاک ۱۹۸۷۴ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در قره نور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز روزنامه سراسری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز روزنامه سراسری و محلی می‌گردد. در صورتی که اشخاص یی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند، باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۳ شناسه آگهی ۲۲۱۱۰۲۶۶ علی سعادتی-رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

مفقودی

برگ سبز ، سند کمیانی و پلاک موتورسیکلت هوند۱۲۵۱ تندر سوپر مدل ۸۹ به شماره پلاک ۴۹۲۳۶ –ایران ۶۱۲ و شماره موتور ۲۰۱۰۵۶۹ و شناسی ۸۹۲۳۳۶۳ مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌یابد.

قیم

مفقودی

کارت خودرو و پژوهاج بک AAT۲۰۰۸۲، رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۹۸، پلاک ۵۶۶ و ۱۲۸ ایران ۸۸، شماره موتور ۱۰FJCE۲۳۸۴۳۴۸، شماره شناسی NAAG1C۳۳۷KD۰۳۳۰۰۷ به نام تهمنیه عظیم زاده تبریزی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

تهران

مفقودی

برگ سبز و سند کمیانی موتورسیکلت هوند۱۲۵۱رایکا مدل ۸۴ بشماره پلاک ۴۶۸۶۱ –ایران ۶۱۳ و شماره موتور ۲۹۲۵-۷۶ و شناسی ۸۴۱۵۴۵۰ مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قیم

مفقودی

سند برگ سبز وانت آر بسان، مدل، ۱۳۹۴، نگ سفید، پلاک ۲۷۹ ۱۴۲۵ ایران ۴۶، شماره موتور ۰۰۲۷۳۶/۱۱۸۲، شماره شناسی NAAB۶۶EV۷۵۱۱۵۹۲ مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌بخیزد

۸۸۵۴۵۴۸۸